خارج اصول

جلسه 90 \* یکشنبه 4/ 12/ 98

موضوع: مسأله ی ضد

­­­­­­­­­­­­­­­­­­بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله ربّ العالمین و صلّی الله علی سیّدنا محمّد و آله الطیبین الطاهرین.

لا حول و لا قوة الّا بالله العلی العظیم.

\*\*\*\*\*\*\*

الأدلة التی استدلّ بها للإقتضاء خمسة: المقدّمیة و التلازم و الدلالة التضمّنیة(الجزئیة) و الدلالة المطابقیة(العینیة) و الدلالة الإلتزامیة.

کلام در دلیل چهارم بود. یعنی امر به شیئ عین نهی از ضدّ است؛ این عینیّت دو معنی دارد: «معنای اثباتی و دلالی» و «معنای ثبوتی».

اوّل(معنای اثباتی و دلالی)

یعنی در مقام دلالت «صلّ» معادل «لاتترک الصلاة» است؛ این معنی بین فقهاء مشهور است مثلاً در باب احتیاط واجب، بجای اینکه بگویند: "احتط"، می گویند: "لاتترک الاحتیاط"؛ بنابر این معنای اینکه امر به شیئ عین نهی از ضدّ عام است یعنی اینکه این دو از نظر دلالت و حکایت متّحدند. «صلّ» و «لاتترک الصلاة» هر دو یعنی باید نماز بخوانی -بخلاف اینکه این دو متغایر باشند؛ اگر این دو را متغایر بدانیم، دیگر وحدت دلالی ندارند- اگر منظور قائلین به اقتضاء این باشد، صحیح است؛ اما منظورشان این نیست بلکه منظور آنها معنای دوّم است یعنی اتّحاد ثبوتی و واقعی؛

دوّم(معنی ثبوتی و واقعی)

یعنی این دو، وحدت حقیقی و ماهوی دارند نه فقط دلالی؛ یعنی نهی از ترک، همان طلبِ ترکِ «ترک فعل» است. مثلاً در تروک روزه یا حجّ همین است: در حجّ که نباید عطر و بوی خوش استفاد کرد، «لاتستعمل الطیب» یعنی «ترک طیب» محبوبیّت دارد؛ در مانحن فیه نیز ترکِ «ترک صلاة» محبوبیّت دارد نه اینکه فقط «فعل صلاة» محبوبیّت داشته باشد و لا تترک الصلاة، برای رسیدن به آن باشد.

امّا چنین چیزی قابل قبول نیست؛ زیرا:

اوّلاً: در اینصورت دیگر امر و نهی نداریم زیرا تمام نهی ها در واقع امر هستند؛ در حالیکه در همین علم اصول دو باب مهمّ مورد بحث قرار گرفته است باب اوامر و باب نواهی.

ثانیاً: امر فقط مفهوماً از نهی جداست ولی مصداقاً متّحد می شود؛ مثلاً صلّ یعنی طلب فعل صلاة؛ و لاتترک الصلاة یعنی طلب ترکِ ترک صلاة؛ امّا در مصداق هر دو یعنی افعل الصلاة.

ثالثاً: بحث اقتضاء امر نهی را، تحصیل حاصل است زیرا در اینصورت اثنینیّت ندارند تا یکی اقتضاء کند دیگری را.

رابعاً: ملاک در متعلّق امر، محبوبیّت است ولی ملاک در متعلّق نهی، مبغوضیّت است. امر تابع محبوبیّت است و نهی تابع مبغوضیّت؛ این دو متضادّند و با هم متّحد نمی شوند زیرا مستلزم اجتماع ضدّین است یعنی صلاة هم محبوبیّت داشته باشد و هم مبغوضیّت؛ بخاطر محبوبیّتش مأمور به است و بخاطر مبغوضیّتش منهی عنه می باشد؛ این ممکن نیست: به سه جهت:

1.از جهت مبدأ و ملاک(اثبات) است که توضیح دادیم.

2.از جهت اعتبار؛ زیرا امر یعنی اعتبار وجوب فعل بر ذمّه ی مکلف؛ نهی یعنی اعتبار حرمت فعل بر ذمّه ی مکلف)

3.از جهت منتهی(اسقاط). زیرا اسقاط امر، به اتیان فعل است و اسقاط نهی، به ترک فعل است؛ یکی باید اتیان شود و دیگری باید ترک شود.

(پایان)